

عدالت از دیدگاه امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر

مریم صادقی پری^۱؛ مینا سودایی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۴

چکیده

عدالت یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم انسانی و اجتماعی است که در اندیشه و سیره سیاسی امام علی (ع) به صورت برجسته می‌توان به آن اشاره کرد. عهدنامه مالک اشتر یکی از بارزترین و مهم‌ترین اسناد تاریخی در این زمینه است که محور نوشتار حاضر می‌باشد.

هدف این نوشتار، بررسی ابعاد عدالت فردی و اجتماعی در عهدنامه مالک اشتر و تحلیل جایگاه آن در نظام فکری و حکومتی امام علی (ع) می‌باشد که به روش مطالعه اسنادی و تحلیل محتوا تنظیم شده است. در این نوشتار، نخست به مفهوم‌شناسی عدالت و انصاف پرداخته شده، سپس به جایگاه عدالت در قرآن کریم و سیره عدالت‌طلبانه امام علی (ع) با محوریت عهدنامه مالک اشتر پرداخته شده و در ادامه، پیوند عدالت با اخلاق، نقش عدالت اجتماعی و جایگاه حقوق شهروندی در این عهدنامه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که عدالت در اندیشه امام علی (ع) نه صرفاً یک اصل اخلاقی، بلکه بنیان مشروعیت سیاسی و اجتماعی حکومت اسلامی است و عهدنامه مالک اشتر می‌تواند به عنوان الگویی ماندگار برای مدیریت عادلانه در جوامع اسلامی معاصر همواره مورد توجه و بهرمندی قرار گیرد.

کلیدواژگان: نهج/البلاغه، عهدنامه مالک اشتر، عدالت، انصاف، اعتدال، عدالت اجتماعی، حقوق شهروندی

۱. دانشجوی دکتری رشته مدرسی انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم (نویسنده مسئول)؛ Msadeghipry1779@gmail.com

۲. فارغ التحصیل سطح ۳ حوزه علمیه خاوران؛ Mina_sodaee@gmail.com



بحث اخلاق در معارف اسلامی از جایگاهی ویژه‌ای برخوردار است. اصول اخلاقی، از یکسو مؤید باورها و ارکان دین به‌شمار می‌آیند و از سوی دیگر، فلسفه و ضرورت احکام عملی دین را تبیین می‌کنند. بدین‌سان، اخلاق به‌مثابه ثمره درخت توحید، فلسفه‌ای برای قوانین و حقوق فردی و اجتماعی فراهم آورده و نقش بنیادینی در شکل‌دهی حیات فردی و جمعی دارد.

در میان ارزش‌های اخلاقی «عدالت» جایگاه ممتازی دارد و به نوعی با دیگر ارکان اخلاقی همراه است و به منزله ستون تعادل فردی و اجتماعی تلقی می‌شود. علمای اخلاق، عدالت را موازنه میان فضایل و رذایل دانسته‌اند و بر این باورند که با تعیین حد وسط برای فضایل، می‌توان آنها را از افراط و تفریط حفظ کرد. اهمیت این اصل تا آنجاست که قرآن کریم هدف بعثت انبیاء و تشریع دین را استقرار عدالت معرفی کرده است.

از آنجایی که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در تاریخ اسلام به عنوان نماد و معیار عدالت شناخته شده است و عدالت ایشان چنان برجسته بوده که حتی اندیشمندان غیرمسلمان، از جمله جرج جرداق مسیحی در کتاب الامام علی صوت العدالة الانسانیة، وی را مظهر عدالت دانسته‌اند و خود حضرت (علیه السلام) نیز خویش را معیار اعتدال و میانه‌روی معرفی کرده و می‌فرماید: «نَحْنُ التُّمْرَةُ الْوُسْطَى؛ بَمَا يَلْحَقُ التَّالِي وَ أَلَيْمَا يَرْجِعُ الْغَالِي؛ ما تکیه‌گاه میانه‌ایم، کندرو باید به ما پیوندد و تندرو باید به سوی ما بازگردد»، نوشتار حاضر به بررسی عدالت و ابعاد آن از دیدگاه نهج البلاغه با محوریت عهدنامه مالک اشتر می‌پردازد؛ سندی که نه تنها نشان‌دهنده جهان‌بینی عدالت‌محور امام است، بلکه الگویی ماندگار برای حکمرانی عادلانه در جوامع اسلامی محسوب می‌شود. بیانات ایشان در این عهدنامه حاکی از آن است که امام (علیه السلام) عدالت را محور و ملاک تمام امور می‌دانست و آن را مایه قوام و اعتدال جامعه تلقی می‌کرد و در جزئی‌ترین امور ساری و قابل اجرا می‌شمرد. نوشتار حاضر در پی آن است که با استناد به عهدنامه مالک اشتر، ابعاد عدالت فردی و اجتماعی را در سیره علوی و اکاوی نموده و پیوند آن را با اخلاق، حقوق شهروندی و ساختار حکمرانی اسلامی نشان دهد. بدین منظور، ابتدا به مفهوم‌شناسی عدالت و جایگاه آن در قرآن می‌پردازد و سپس دیدگاه امام (علیه السلام) را در خصوص عدالت فردی و اجتماعی بررسی می‌کند و در ادامه به پیوند عدالت با اخلاق و حقوق شهروندی می‌پردازد.

۱. مفهوم‌شناسی عدالت

«عدل» در لغت به معنای میانه افراط و تفریط و حدّ وسط افعال و اقوال است و نیز هر آنچه خداوند قضا کرده و وقوع آن را حکم فرموده، بر وفق حکمت و نظام کامل و احسن است (القزوینی الرازی، ۱۳۹۹ق: ۴/۲۴۶). بدین ترتیب، رفتارها و گفتارها باید در حد اعتدال و به دور از افراط و تفریط باشند و با نظم و عدالت الهی همسو شوند (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵: ۴/۴۷۴).

عدالت از نظر مفهومی چند بعدی است. یکی از تعبیر به کارفته درباره عدالت، هماهنگی و توازن در امور و اشیاء است که در مقابل آن ناهماهنگی و بی‌نظمی قرار دارد. در تعبیر دیگر، به معنای مساوات و نفی تبعیض است؛ به این معنا که همه از حقوق برابر برخوردارند و تفاوت‌های غیرمنصفانه در میان نیست. علاوه بر این، عدالت شامل رعایت شایستگی‌ها و استحقاق‌ها نیز می‌شود، به گونه‌ای که هر فرد حق و استحقاق خود را دریافت کند و ستم نقطه مقابل آن باشد (مطهری، ۱۴۰۲: ۵۶).

در اسلام، عدالت اهمیتی به‌سزایی دارد و همانند توحید، در تمام اصول و فروع دین جاری است. هیچ یک از مسائل عقیدتی، اخلاقی، فردی یا اجتماعی را نمی‌توان بدون روح عدالت تصور کرد. عدالت به عنوان یکی از اصول مذهب و زیربنای فکری مسلمانان شناخته می‌شود.

در اندیشه اسلامی، عدالت برتر از عبادت دانسته شده است. شهید مطهری عدالت را نقطه مقابل ظلم و تبعیض معرفی کرده و آن را اعطای حق و استحقاقی می‌داند که هر فرد بر اساس خلقت و فعالیت‌های خود کسب می‌کند (همان). در فقه شیعه، عدالت معنای خاصی دارد و به عدالت فقهی و اخلاقی تعبیر می‌شود. عدالت فقهی به عنوان ملکه نفسانی تعریف شده که در ملازمت با تقوی است. تقوای مرتبط با عدالت شامل اقامه واجبات، ترک گناهان کبیره، پرهیز از گناهان صغیره در صورت اصرار و رعایت مروت و اخلاق نیکو است. از این منظر، عدالت به معنای پذیرش حق و اجرای آن در چارچوب تقوای الهی است (شریعت، ۱۳۸۹: ۶۰).

علامه طباطبایی در تفسیر/المیزان، عدالت را چنین تعریف می‌کند: «عدالت در لغت به معنای اعتدال و حد وسط میان عالی و دانی و میانه بین دو طرف افراط و تفریط است. در میان افراد جامعه، عدالت عبارت است از افرادی که بخش عمده اجتماع را تشکیل می‌دهند و آنان همان افراد متوسط‌الحالند که جوهره و پایه ترکیب اجتماعی را شکل می‌دهند و همه امور اجتماعی بر محور آنان می‌چرخد» (طباطبایی، بی‌تا: ۱۲/۴۷۷-۴۷۶).

مکارم شیرازی در تفسیر نمونه نیز در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَعْلَمَ بِكُمْ اللَّهُ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» می‌نویسد: «عدل همان قانونی است که تمام نظام هستی بر محور آن می‌چرخد. آسمان‌ها و زمین و همه موجودات با عدالت



برقرار هستند و جامعه انسانی نیز از این قانون جهانی مستثنی نیست. بدون عدالت، جامعه نمی‌تواند حیات سالم و پایدار داشته باشد. عدالت واقعی یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود؛ هرگونه انحراف، افراط، تفریط یا تجاوز به حقوق دیگران خلاف اصل عدالت است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۹۴).

به‌طور کلی، عدالت شامل اعتدال در افعال و گفتار، برابری و نفی تبعیض، رعایت حقوق و استحقاق‌های افراد می‌شود. این مفهوم هم در زندگی فردی و اجتماعی و هم در چارچوب فقهی و اخلاقی کاربرد دارد و همواره موجب پویایی و حرکت جامعه انسانی است.

واژه «انصاف» که در بسیاری موارد در کنار عدالت یا به جای آن به کار می‌رود از ریشه «صف» به معنای تقسیم یا رساندن چیزی به نیمه گرفته شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۵۴). در روابط اجتماعی، سیاسی و اداری، انصاف به معنای پاسداشت حقوق دیگران همانند حقوق خود، تقسیم عادلانه سود و زیان و رعایت تساوی حقوق طرفین در مقام داوری است. انسان منصف کسی است که حقوق دیگران را رعایت کند و آنچه برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز بخواهد. همچنین، انصاف به معنای دادخواهی و دادن حق به ذی‌حق است (مهدوی کنی، ۱۴۰۲: ۵۷۱).

علماء درباره انصاف با خدا معتقدند که این مفهوم شامل انجام اوامر الهی، اجتناب از نواهی الهی و شکرگزاری نسبت به نعمت‌های اوست. انصاف نسبت به مردم نیز یعنی رعایت حقوق دیگران بدون توجه به منافع شخصی، خانوادگی یا کسانی که به آنها علاقه داریم (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵: ۵/ ۱۴۳). ابن مغنیه در این خصوص می‌نویسد: «هر کس به حق اعتراف کند و بدان عمل نماید، چه به نفع او باشد و چه به ضرر او، منصف است. کسی که به مردم ستم کند، سرکارش با خداست و نه با مردم، چرا که خداوند دادگر است و ستمگری دچار خواری و عذاب دنیا و آخرت خواهد شد.» (مغنیه، ۱۳۸۸: ۵۲)

۲. جایگاه عدالت در اندیشه امام علی علیه السلام

عدالت در منظومه فکری امام علی علیه السلام، اصلی فراگیر و سامان‌بخش است که تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. آن حضرت علیه السلام عدالت را بنیانی می‌داند که بر پایه آن جامعه قوام می‌یابد، به اعتدال می‌رسد و سلامت، آسایش و آرامش انسان‌ها تضمین می‌گردد؛ چنانکه می‌فرماید: «وَأَلْعَدُّلُ سَائِسُ عَامٍ؛ عدالت مدبری فراگیر و تدبیرکننده‌ای عام است» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

امام (ع) عدالت را به معنای «قرار دادن هر چیز در جای خود» می‌داند؛ چنانکه می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدالت کارها را در مواضع واقعی خود قرار می‌دهد» (همان). بر این اساس، عدالت نه صرفاً یک خُلق فردی بلکه قاعده‌ای کلی برای برپایی حق در جهان است.

عدالت‌خواهی در اندیشه امام (ع) جایگاهی برتر از دیگر فضایل دارد. ایشان عدالت را محکم‌ترین بنیاد زندگی انسانی می‌خواند و می‌فرماید: «الْعَدْلُ أَقْوَى أَسَاسٍ» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۴۶: ۱/ ۲۱۶) همچنین می‌فرماید: «الْعَدْلُ فَضِيلَةُ الْإِنْسَانِ» و «الْعَدْلُ أَفْضَلُ سَجِيه» یعنی عدالت‌ورزی برترین سجیه اخلاقی و شاخص‌ترین فضیلت انسانی است (همان: ۵۴). از این‌رو، عدالت و انصاف معیار سنجش ارزش‌های انسانی و اجتماعی شمرده می‌شود.

اظهار عدالت و اجرای آن از منظر علی (ع) چنان است که حضرت (ع) می‌فرماید این امور باید فراگیر شوند. در حقیقت ابراز عدل و اجرای آن که همه علل و معلولات و خصوصیت‌های موردی را به محاسبه درمی‌آورد، مساوی ابراز و اجرای حق است با حدوسط‌ترین امور و در اجرای امور اجتماعی، جامع‌ترین آنها برای رضایت مردم منظور شود. البته بدیهی است که مقصود جلب رضایت همه مردم جامعه در همه حالات نیست، زیرا مردم به اضافه اینکه در اموری که رضایت آنان را جلب می‌کند، بسیار مختلف و دارای تضاد فکری و آرمانی می‌باشند.

از نگاه امام علی (ع)، عدالت نه تنها به عنوان یک اصل اخلاقی بلکه به مثابه میزان الهی مطرح است؛ چنانکه آن حضرت (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَ نَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷). عدل میزانی است که خداوند سبحان برای برپایی حق در میان مردم قرار داده است. «مخالفت با عدالت، در حقیقت مخالفت با نظام الهی و توازن آفرینش است.

بعد اجتماعی عدالت در کلام امام (ع) جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چنانکه ایشان در نامه معروف به مالک اشتر، اجرای عدالت را اساس جلب رضایت عمومی معرفی کرده و می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ ... أَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ؛ حاکم باید محبوب‌ترین کارها نزد خود را اموری بداند که بیشترین عدالت را در جامعه جاری سازد و رضایت حقیقی مردم را فراهم آورد» (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۱۸).

بنابراین، عدالت در نگاه امام علی (ع) مفهومی بنیادین و چندبعدی است: هم مبنای هستی و تدبیر اجتماعی، هم برترین فضیلت اخلاقی و هم میزان الهی در میان مردم. چنین نگرشی،



عدالت را به رکن اساسی زندگی فردی، اجتماعی و حکومتی تبدیل می‌سازد و بیانگر آن است که بدون عدالت، هیچ جامعه‌ای بر پایه‌ای استوار قرار نخواهد گرفت.

از دیگر بیانات ایشان در خصوص عدالت آن است که می‌فرماید: «لَعَدْلُ الْإِنصَافِ؛ عدالت یعنی انصاف» (نهج/البلاغه، حکمت ۲۳۱). ایشان عدالت را جامع و مانع تعریف کرده و آن را بر جود و عطاء برتری داده و می‌فرماید: «لَعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا، وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ، فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَافْضَلُهُمَا؛ عدالت کارها را به جای بایسته می‌نشانند و جور آنها را از جایگاه حقیقی‌شان خارج می‌کند» (همان، حکمت ۴۳۷). بر اساس این دیدگاه، عدالت و دادگری اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به جود و بخشش دارد.

همچنین امام (ع) با استناد به آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» توضیح می‌دهد که عدالت، انصاف و احسان دارای معانی متمایزی هستند: عدالت یعنی انصاف داشتن و احسان به معنای نیکویی و تفضل است (همان، حکمت ۲۳۱). در نامه به مالک اشتر آمده است: «نَصِفِ اللَّهَ وَانصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ ... فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمُ؛ نسبت به خداوند و مردم انصاف به خرج ده، که اگر چنین نکنی ستم کرده‌ای. کسی که به بندگان خدا ستم کند، پیش از بندگانش دشمن خدا خواهد بود» (همان، نامه ۵۳).

۳. رابطه عدالت و اخلاق در اندیشه امام علی (ع)

- عدالت به مثابه نظام اخلاقی

عدالتی که در نگاه امیرالمؤمنین (ع) جلوه‌گر است، عدالتی صرفاً حقوقی یا سیاسی نیست، بلکه در بنیاد خود اخلاقی است؛ به این معنا که اجرای عدالت بدون پاسداشت اصول اخلاقی امکان‌پذیر نیست؛ چنانکه ایشان عدالت را مدار حیات و بقای جامعه معرفی کرده و می‌فرماید: «وَإِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ» (همان، نامه ۵۳). بر این اساس، عدالت مطلوب امام (ع)، هم در ساختار و هم در جهت‌گیری، اخلاقی و انسانی است.

- کرامت انسانی؛ بنیان عدالت اخلاقی

امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر، با الهام از قرآن کریم -آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/ ۷۰)- بر کرامت ذاتی انسان تأکید نموده و می‌فرماید: «إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ؛ مردم دو دسته‌اند: یا برادران دینی تو هستند یا در آفرینش همانند تو» (همان، نامه ۵۳). این آموزه

بیانگر آن است که عدالت بدون پاسداشت کرامت انسانی تحقق نمی‌یابد و هرگونه رفتار عادلانه باید بر بنیاد اخلاق و حرمت انسان استوار باشد.

- توصیه به همراهی عدالت و اخلاق

عهدنامه مالک اشتر نمونه‌ای بارز از پیوند عدالت و اخلاق در اندیشه امام علی (ع) است. در این سند، عدالت از هر سو با توصیه‌های اخلاقی معنا می‌یابد، از جمله:

- «مَرَهُ يَتَّقُوا اللَّهَ» سفارش به تقوا و خداترسی (همان، نامه ۵۳).
- «وَأَشْعَرَ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ...» مهربانی با مردم را در دل خود جای ده و با همه دوست و دلسوز باش. (همان، نامه ۵۳)
- «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ... أَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ...» محبوب‌ترین کارها نزد تو باید اموری باشد که فراگیرترین عدالت را به همراه داشته باشد. (همان، نامه ۵۳).
- «لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا...» همانند درنده‌ای خونخوار مباش که فرصت را برای دریدن مردم غنیمت می‌شمارد (همان، نامه ۵۳).

این توصیه‌ها نشان می‌دهد که عدالت علوی همواره در پیوندی ناگسستنی با اصول اخلاقی همچون تقوا، رحمت، مهربانی، انصاف و پاسداشت کرامت انسانی قرار دارد.

در اندیشه امام علی (ع)، عدالت نه تنها سازوکار سامان‌دهی اجتماعی بلکه یک فضیلت اخلاقی و الهی است. هر گونه اجرای عدالت باید در چارچوب اخلاقی صورت گیرد و بدون آن، عدالت معنای حقیقی خود را از دست خواهد داد. بدین ترتیب، عدالت علوی یک «عدالت اخلاق‌محور» است که هم کرامت انسان را پاس می‌دارد و هم جامعه را بر پایه حق و انصاف سامان می‌بخشد.

۴. عدالت اجتماعی در اندیشه امام علی (ع)

انسان موجودی اجتماعی است که در بستر جامعه حیات و رشد می‌یابد و به تکامل می‌رسد؛ از این رو، عدالت نیز در بُعد اجتماعی معنا می‌یابد. عدالت اجتماعی هنگامی تحقق می‌یابد که هر فرد در جایگاه شایسته خود قرار گیرد و با او به گونه‌ای رفتار شود که سزاوار آن است. به بیان دیگر، عدالت اجتماعی عبارت است از توزیع متناسب مسئولیت‌ها، حقوق و فرصت‌ها میان اعضای جامعه، به گونه‌ای که تعادل و هماهنگی اجتماعی حفظ شود. (مطهری، ۱۴۰۲: ۵۹)

تا زمانی که عدالت در سازوکارهای اجتماعی ظهور نیابد، تحقق آن امکان‌پذیر نخواهد بود. عدالت فردی نیز تنها در جامعه‌ای عدالت‌گرا معنا پیدا می‌کند؛ جامعه‌ای که امکان بروز انصاف،



دادگری و عدالت‌خواهی برای همگان فراهم باشد. اگر نظام اجتماعی به‌گونه‌ای سامان نیابد که حقوق انسان‌ها پاس داشته شود و فرصت‌ها و امکانات به شکل برابر در اختیار همه قرار گیرد، حرکت در مسیر عدالت اجتماعی ناممکن خواهد بود (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۲۱۱).

امام علی علیه السلام عدالت اجتماعی را مایه قوام و حیات جامعه دانسته و می‌فرماید: «العدل قوام الرعیه» و «العدل حياه» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). این سخنان نشان‌دهنده آن است که عدالت نه تنها پایه سلامت و پایداری جامعه است، بلکه عامل تعادل و آرامش در روابط اجتماعی نیز به شمار می‌آید.

دیدگاه عدالت اجتماعی امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر نیز به وضوح قابل مشاهده است؛ آنجا که حضرت علیه السلام می‌فرماید: «وَأَعْلَمُ أَنَّ الرِّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ، وَ لَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ؛ بدان که رعیت را صنف‌هایی است که کارشان جز به یکدیگر اصلاح نشود و از یکدیگر بی‌نیاز نباشند» (همان، نامه ۵۳). این عبارات به خوبی اشاره می‌کنند که جامعه از اقشار و طبقات مختلف تشکیل شده و هیچ طبقه‌ای نمی‌تواند بدون همکاری و تعامل با دیگران به اصلاح و تعالی برسد.

عدالت در دیدگاه امام علی علیه السلام ضامن رفع تبعیض، استبداد و نابرابری‌های اجتماعی است. جرج جرداق، پژوهشگر مسیحی، در این خصوص می‌نویسد: «آراء و نظریه او بر محور از میان برداشتن فردپرستی، استبداد و از بین بردن اختلافات طبقاتی میان مردم می‌چرخد. هر کس مسائل اجتماعی علی بن ابیطالب را شناخته باشد، درمی‌یابد که او چون شمشیری آخته بر سر خودکامگان تجاوزکار بود. سعی او در ایجاد عدالت اجتماعی در نظریات، بیانات و سیاستش متجلی است» (جرداق، ۱۳۷۹: ۱۵۲). در نتیجه می‌توان گفت عدالت اجتماعی در اندیشه امام علیه السلام نه تنها یک اصل سیاسی یا اداری، بلکه فضیلتی اخلاقی و اجتماعی است که پایه قوام، آرامش و حیات جامعه را تشکیل می‌دهد و تحقق آن، پیش‌شرط رفاه و عدالت فردی است.

۵. رابطه حقوق شهروندی و عدالت در اندیشه امام علی علیه السلام

- برخورداری از حق برابری

در جامعه اسلامی، تمامی شهروندان، فارغ از هر قشر و طبقه، ملیت و نژاد و مذهب، حق برخورداری از حقوق برابر را دارند. امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر با تکیه بر این اصل می‌فرماید: «إِنَّمَا أَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِنَّمَا نَظِيرُ لَكَ؛ پس آنها دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو



هستند و دسته دیگر در آفرینش با تو همانند». همچنین امام علیه السلام تأکید می‌کند که حتی نسبت به نزدیکان و دوستان تبعیض روا نشود و از امتیازدهی به اطرافیان، انحصارطلبی و تجاهل نسبت به حقوق دیگران پرهیز گردد: «وَإِيَّاكَ وَالْأَسْتَثَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ، وَالتَّغَابِي عَمَّا تُعْنَى بِهِ مِمَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونِ، فَإِنَّهُ مَا خُوذَ مِنْكَ لِغَيْرِكَ، وَ عَنْ قَلِيلٍ تَنْكَشِفُ عَنْكَ أُعْطِيَةُ الْأُمُورِ، وَ يَنْتَقِمُ مِنْكَ لِلْمَظْلُومِ الْمَنْصُورِ؛ بپرهیز از آنکه چیزی را به خود ویژه سازی که همگان در آن برابرند، و از چشم‌پوشی در آنچه بر همه آشکار است. زیرا آنچه ویژه خود سازی، از تو گرفته خواهد شد و به دیگری داده می‌شود، و به زودی پرده از کارها کنار می‌رود و حق ستم‌دیده از تو بازستانده خواهد شد» (نهج/البلاغه، نامه ۵۳). این فراز، شاهی روشن است بر اینکه امام علیه السلام تأکید داشت حتی نزدیکان و اطرافیان حاکم نیز حق ندارند در اموال عمومی یا حقوق اجتماعی بر دیگران برتری یابند. از این‌رو می‌توان گفت همه شهروندان باید در تمامی حقوق و امتیازات اجتماعی همچون تساوی در تقسیم بیت‌المال، بهره‌مندی از انصاف حاکم و اجرای قانون با هم برابر باشند.

– مسئولیت‌پذیری و مشارکت

نگرش امام علی علیه السلام به شهروندی مبتنی بر مبانی توحیدی است و شهروندان را به احساس تعلق خاطر و مسئولیت در قبال جامعه فرا می‌خواند. ایشان مشارکت فعال افراد در زندگی اجتماعی را شرط تحقق عدالت و پایداری جامعه می‌داند؛ چنانکه در نامه ۵۳، واژه‌های «ناس» (مردم)، «رعیت» (شهروند)، «عامه» (همگان)، «کل امر» (همه)، «عبادالله» (بندگان خدا) و «تظیر لک فی الحق» (همنوع تو در حق) برای اشاره به تمام انسان‌ها به کار رفته است، که بیانگر نگرش فراگیر حضرت به حقوق شهروندان است.

شاهد مثال این مؤلفه نیز نامه ۵۳ است؛ آنجا که امام علیه السلام در بخشی از عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَّةِ، فَإِنَّ سَخَطَ الْعَامَةِ يُجَحِفُ بِرِضَا الْخَاصَّةِ، وَإِنْ سَخَطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَةِ؛ باید محبوب‌ترین کارها نزد تو، کارهایی باشد که در حق میانه‌تر، در عدالت فراگیرتر، و در جلب رضایت مردم جامع‌تر باشد. زیرا خشم عمومی، رضایت گروهی خاص را بی‌اثر می‌سازد، ولی نارضایتی گروهی اندک با رضایت اکثریت بخشوده خواهد شد».

این بیان امام علیه السلام نشان می‌دهد که پایداری جامعه وابسته به مشارکت و رضایت عمومی مردم است. حاکم نه تنها باید عدالت را برقرار سازد، بلکه باید عموم شهروندان را در نظر بگیرد و از تک‌محوری



یا توجه صرف به خواص و قشر یا طبقه‌ای خاص بپرهیزد. چنین نگرشی، شهروندان را به احساس مسئولیت جمعی و نقش‌آفرینی در شکل‌گیری عدالت و انسجام اجتماعی فرا می‌خواند.

– عدالت مالی و عمران جامعه

امام علی علیه السلام عدالت را با عمران و آبادانی جامعه پیوند می‌دهد و مالیات را ابزار تحقق آن می‌داند. ایشان می‌فرمایند: «فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَصَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ، وَ لِاصْلَاحِ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ، لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَ أَهْلُهُ؛ بِهِدَى مَالِيَاتٍ وَ مَالِيَاتِ دَهْنْدِگَانِ، عَامِلِ اصْلَاحِ امُورِ دِیْگَرِ اقْشَارِ جَامِعِهِ اسْتِ وَ تَا امُورِ مَالِیَاتِ دَهْنْدِگَانِ اصْلَاحِ نَشُودِ، کَارِ دِیْگَرَانِ نِیْزِ سَامَانِ نَخَوَاهْدِ گِرِفْتِ» (همان، نامه ۵۳). امام علیه السلام توصیه می‌کند که در شرایط سخت اقتصادی، آفات طبیعی یا کمبود منابع، مالیات به میزانی تخفیف داده شود تا امور مردم سامان یابد و گسترش عدالت تضمین شود. همچنین ایشان اشاره می‌کند که عدالت‌ورزی، عامل عمران و آبادانی جامعه است: «ما عَمِرَتِ الْبُلْدَانُ بِمَثَلِ الْعَدْلِ؛ هِیْجَ چِیزِ مَانَنْدِ عَدَالْتِ وِرْزِیِ مَوْجِبِ عِمْرَانِ وَ آبَادِیِ نَمِی‌شُودِ» (همان، خطبه ۱۵).

– توجه به محرومان و آسیب‌دیدگان اجتماعی

امام علی علیه السلام عنایت ویژه‌ای به طبقات محروم جامعه داشت و همواره در تلاش بود تا فضای اجتماعی برای رفع آسیب‌ها و حمایت از نیازمندان فراهم شود. ایشان در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسِ وَ الزَّيْمَنِ، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًّا، وَ أَحْفَظَ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكٍ، وَ قِسْمًا مِنْ غَلَاتِ صَوَافِي الْأَسْلَامِ فِي كُلِّ بَلَدٍ؛ سِپِسِ خُدا را خُدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [و عبارتند از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویش‌تنداری کرده و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده]» (همان، نامه ۵۳). این تدبیر شامل حمایت از آسیب‌دیدگان جامعه دان است و نشان می‌دهد که تحقق عدالت اجتماعی بدون توجه به این گروه‌ها امکان‌پذیر نیست.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد از دیدگاه امام (ع)، عدالت کمالی است که در رأس ارزش‌های اخلاقی و معیار سنجش انسان‌ها نزد خداست. عدالت برای امام (ع) اصلی است که جامعه را قوام می‌بخشد، به اعتدال می‌رساند و سلامت، آرامش و رفاه اجتماعی را تضمین می‌کند. در به اجرا درآمدن و پیشبرد عدالت در جامعه، امام (ع) پایبندی به اخلاق را شرط تحقق عدالت می‌داند و در نامه به مالک اشتر، پایدار شدن عدالت را «روشنی چشم سرپرستان» معرفی می‌کند. از این‌رو می‌توان گفت عدالت علوی، با اخلاق پیوندی ناگسستنی دارد و بدون رعایت اصول اخلاقی، تحقق واقعی آن ممکن نیست. همچنین امام (ع) عدالت اجتماعی را مایه حیات و قوام جامعه می‌داند و در عهدنامه مالک اشتر، اجرای عدالت را سبب عمران و آبادانی کشور معرفی می‌کند که نشان می‌دهد عدالت ارتباط تنگاتنگی با تحقق حقوق شهروندی به‌صورت جامع و فراگیر دارد و با برخورداری از حق برابری، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی و توجه به محرومان و آسیب‌دیدگان جامعه به اجرا درمی‌آید.



فهرست منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ج ۲، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن میثم بحرانی، علی، شرح نهج البلاغه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ج ۴، ۱۳۷۹.
۴. القزوينی الرازی، أبوالحسین، معجم المقایس اللغة، دارالفکر، ج ۴، ۱۳۹۹.
۵. خوانساری، آقا جمال، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۴۶.
۶. جردان، جورج، علی و حقوق بشر، ترجمه عطا محمد سردارنیا، تهران: فراهانی، ج ۱، ۱۳۷۹.
۷. جعفری، محمدتقی، حکمت اصول سیاسی (ترجمه تفسیر فرمان مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به مالک اشتر)، تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۳.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، تراز حیات، تهران: دریا، ۱۳۹۰ش.
۹. شریعت، فرشاد، عدالت و سیاست، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۲، بی‌تا.
۱۱. مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران: صدرا، ۱۴۰۲.
۱۲. مغنیه، محمدجواد، فی ضلال نهج البلاغه، محمدجواد معموری، تهران: دارالکتاب اسلامیه، ج ۴، ۱۳۸۸.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: دارالکتب اسلامیه، ج ۱۰، ۱۳۸۳.
۱۴. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، قم: دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۲.